

# اسنادی از تصمیم دولت انگلیس برای تغییر حکومت و تصرف چاه‌های نفت ایران!



اسماعیل رزم آسا  
روزنامه‌نگار و پژوهشگر  
تاریخ مطبوعات ایران

قسمت ششم

## اهمیت نفت در جنگ جهانی دوم

از آغاز جنگ جهانی دوم، صنعت نفت ایران دچار مشکلاتی شد و این مشکلات تا دو سال بعد از آن وجود داشت.

وقتی صحبت از نفت می‌شود، ممکن است این تصور به وجود آید که نفت فقط برای مصارف خانگی و ایجاد حرارت است و از اهمیت آن در امور دیگر غافلیم. در حالی که وقتی به خاطرات سروینستون چرچیل، نخست‌وزیر دوران جنگ جهانی دوم مراجعه می‌کنیم می‌بینیم در حقیقت عنوان: (پل پیروزی) که در این جنگ به ایران داده شد، به خاطر وجود نفت بوده است. او می‌گوید: «معادن نفت ایران یک عامل مهم جنگی محسوب می‌شود...»<sup>(۱)</sup> بنابراین حمله ناجوانمردانه ارتش متفقین به کشور بلادفاع ایران در شهریور ۱۳۳۰، از این جهت صورت گرفت که: «... راهی برای رساندن مهمات جنگی به روسیه به دست آورند...»<sup>(۲)</sup> و این راه جز از طریق ایران میسر نبود.

الله‌اکبر و غریو «بحیا مصدق» «بحیا بطل اشرق» (زنده‌باد مصدق، قهرمان شرق) در فضا منعکس بود.

پس از آن که آقای دکتر مصدق از هواپیما خارج شدند، غریو و فریاد جمعیت به حد اعلا رسید. آقای دکتر مصدق با تبسم و تکان دادن دست به احساسات پر حرارت استقبال‌کنندگان پاسخ می‌دادند...

آقای نخست‌وزیر دیشب نطقی از رادیو قاهره ایراد و خاطر نشان کرد که ایران همواره طرفدار و پشتیبان مبارزات مقدس ملی مصر می‌باشد و اضافه کرد: پذیرایی گرم و صمیمانه‌ای که هنگام ورود من به خاک مصر به عمل آمد خاطرهای در من به جا گذاشته که با گذشت زمان فراموش نخواهد شد. احساسات برادرانه و شور و شغفی که امروز مردم مصر نسبت به من نشان دادند، نشانه‌ی ناگسستگی بودن رشته‌های معنوی و اخلاقی است که ایران و مصر را به یکدیگر پیوسته است...» (اطلاعات ۸۰ سال، ج ۱، ص ۱۰۸).

## دکتر مصدق در قاهره

دکتر مصدق و همراهان که برای شرکت در جلسه‌ی شورای امنیت به نیویورک سفر کرده بود، پس از سخنرانی پیرامون دخالت دولت انگلیس در امور داخلی ایران و مظالم استعماری آن دولت، در ۲۸ آبان ۱۳۳۰ به قاهره عزیمت کرد و در آن جا مورد استقبال قاطبه مردم مصر قرار گرفت. روز بعد خبر این سفر در روزنامه اطلاعات با عنوان: (استقبالی که دیروز در مصر از نخست‌وزیر ایران به عمل آمد بی‌سابقه و بی‌نظیر بود) به چاپ می‌رسد و معلوم می‌شود که در تنظیم این خبر مرحوم عباس مسعودی، مدیر اطلاعات که جزو همراهان بوده و در آن موقع از حامیان دکتر مصدق محسوب می‌شد دخالت داشته که خلاصه‌ی آن چنین است: «... ازدحام جمعیت استقبال‌کنندگان به قدری بود که چند نفر بر اثر ازدحام بی‌هوش شدند پیشاپیش دکتر مصدق اعضای جمعیت اخوان المسلمین قرآن می‌خواندند و فریاد الله‌اکبر پاینده ایران و زنده‌باد دکتر مصدق در فضا طنین‌انداز بود.

دکتر مصدق گفت: «مبارزه ما و ملت مصر بر ضد استعمار اجنبی قرین موفقیت درخشان خواهد بود».

دیروز برای ملت مصر بخصوص اهالی قاهره که تعداد آنها به دو میلیون تخمین زده می‌شود یکی از روزهای تاریخی و فراموش‌نشدنی بود و اهالی پایتخت کشور کهنسال مصر که از چند روز قبل به انتظار ورود آقای دکتر مصدق و هیات نمایندگی ایران دقیقه‌شماری می‌کردند با شدیدترین وجهی احساسات محبت‌آمیز خود را نسبت به ملت ایران و کشور ایران و نخست‌وزیر ایران ابراز داشتند.

استقبالی که قاهره از نخست‌وزیر ایران نمود به اعتراف و تصدیق رادیو قاهره و خبرگزاری‌های اروپا و آمریکا که جریان این پذیرایی و استقبال را انتشار دادند، بی‌نظیر و بی‌سابقه بود و پایتخت مصر پس از خاتمه‌ی جنگ جهانی دوم تاکنون از هیچ یک از شخصیت‌های برجسته‌ای که به قاهره مسافرت کرده‌اند، چنین استقبال نموده است. در داخل شهر هم کلیه خیابان‌هایی که مسیر آقای دکتر مصدق بود، جمعیت موج می‌زد. فریاد الله‌اکبر

## استقبالی که در مصر از نخست‌وزیر ایران بعمل آمد بی‌سابقه و بی‌نظیر بود



برگرفته از کتاب «۸۰ سال اطلاعات» جلد اول، صفحه ۱۰۸

دیده نشده است که کسی به اهمیت واقعی نفت ایران در جنگ گذشته پی برده باشد و به طرز شایسته‌ای آن را بیان نماید... به عقیده نویسنده (فاتح) ارزش نفت ایران برای متفکین اگر زیادتر از پل پیروزی نبود، مسلماً قدر و قیمت و اهمیت آن کمتر نبوده است.

همه می‌دانند که جنگ اخیر، نبرد مکانیزه‌ای بود که عامل اصلی آن نفت ایران در نبردهای خاورمیانه، خاور دور، مدیترانه، روسیه و آفریقا نقش بزرگی را به عهده داشت و پیروزی متفکین بسیار بسیار مدیون و مرهون آن بود.

آنچه را من (مصطفی فاتح) شاهد و ناظر بوده‌ام این است که بدون نفت ایران لوازم و مهمات به سرعتی که لازم بود به روسیه نمی‌رسید و بدون نفت ایران کامیابی‌های متفکین به سهولت انجام نمی‌گرفت. ایرانیانی که در موقع جنگ در صنعت نفت ایران کار کرده و عامل موثری در تحصیل کامیابی‌های متفکین بودند، هیچ‌گاه به خودستایی نپرداخته و زبان به تحسین خود نگشودند ولی متأسفانه ارزش کار آنها در پیش هموطنان‌شان هم مکتوم ماند.<sup>(۶)</sup>

این بحث ادامه دارد

پانویس‌ها:

- ۱- مصطفی فاتح، پنجاه سال نفت ایران، ص ۳۱۵ به نقل از جلد سوم کتاب: (خاطرات جنگ) ص ۴۲۳.
- ۲- مصطفی فاتح، پنجاه سال نفت ایران، ص ۳۱۴.
- ۳- همان، ص ۳۱۵.
- ۴ و ۵- همان، ص ۳۱۶.

که ستیزی با ما در بین هست محتمل است که قدم اول را او بردارد. گزارش‌هایی که ظاهراً مورد اعتماد باشد به ما رسیده که ایرانیان در مرزهای روسیه و عراق و در ناحیه معادن نفت تمرکز نیرو داده‌اند. امیدوارم به اسرع اوقات مساعی لازمه به کار برده شود که قوای ما در عراق تقویت یابد. اگر ما بتوانیم چنین کاری را قبل از آن که روس‌ها در جنوب دچار شکست سختی شوند انجام دهیم، امید آن هست که بتوانیم اراده‌ی خود را بدون اعمال قوه به ایرانیان تحمیل نماییم. ولی نباید اقدامات دیپلماسی ما از تجمع نیروی نظامی ما سبقت گیرد و الا نتیجه‌ی آن بسی وخیم خواهد بود. عامل دیگری هم در کار است که لزوم افزایش نیرو را در عراق ایجاب می‌نماید. اگر روسیه دچار شکست شود، ما باید حاضر باشیم که معادن نفت ایران را خودمان اشغال نماییم زیرا در چنین صورتی فشار آلمان‌ها به ایرانیان برای اخراج ما قابل تحمل نخواهد بود.<sup>(۷)</sup>

حالا به اظهارنظر مصطفی فاتح که خود ناقل این مطالب است توجه کنید: «نقل مطالب فوق آشکار می‌سازد که نفت ایران چه اهمیت به سزایی در جنگ داشته و علت تهاجم ارتش‌های بیگانه به ایران تا چه حد مربوط به نفت بوده است.<sup>(۸)</sup> وی در جای دیگر می‌نویسد: «در سال‌های اخیر بسیار گفته و نوشته‌اند که ایران «پل پیروزی» متفکین بوده است و برای تأیید مطلب در اختیار داشتن راه ترانزیت ایران را برای رساندن ملزومات و مهمات به روسیه شوروی شاهد می‌آورند ولی متأسفانه

سروینستون چرچیل آنقدر برای پیشرفت اهداف خود و دیگر همسایه‌ی نامهربان ما اهمیت قابل است که می‌گوید: «برای دفاع هندوستان واجب است که آلمان‌ها را هم‌اکنون از ایران خارج نماییم. غفلت در این باره موجب تکرار همان وقایعی خواهد شد که در عراق رخ داد و ما توانستیم به زحمت و به موقع با آن مقابله نماییم. نهایت لزوم را دارد که با روس‌ها در ایران تشریک مساعی بشود و اگر دولت کنونی ایران حاضر نیست که تسهیلاتی در این باب فراهم نماید، باید جای خود را به حکومتی بدهد که این کار را خواهد کرد... و بعد پیشنهاد می‌کند که: اولتیماتومی از طرف انگلیس و روس به ایرانیان داده شود که یا آلمان‌ها را بدون مصلی اخراج کنند و یا به انتظار عواقب باشند... ما برای این کار، دست کم یک لشکر که از طرف نیروی هوایی کوچکی یاری شود لازم داشتیم تا بتوانیم معادن نفت را تصرف کنیم...»<sup>(۹)</sup>

سرآنتونی ایدن، وزیر کابینه چرچیل در پاسخ وی می‌نویسد: «... امروز صبح درباره‌ی فشار به ایران من مطالعات بیشتر کردم، هر چه بیشتر راجع به امکان اجرای این مساله مطالعه می‌کنم آشکارتر می‌گردد که همه چیز مربوط به توانایی ما در تمرکز دادن قوای کافی در عراق است تا بدان وسیله قادر به حفظ معادن نفت ایران باشیم. بسیار خطرناک به نظر می‌رسد قبل از اینکه از لحاظ نظامی ما توانایی چنین کاری را داشته باشیم، حتی به فشار اقتصادی هم مبادرت نماییم زیرا شاه کاملاً متوجه به ارزش معادن نفت برای ما هست و اگر ملاحظه کند

## معرفی انجمن باهر

### نگاه انسانی به معلولان را به کودکانمان بیاموزیم

به رغم تلاش‌های بی‌شمار دهه‌های اخیر که برای پیوند افراد دارای معلولیت جسمانی با جامعه صورت گرفته است، واقعیت‌های زندگی روزمره نشان می‌دهد که این افراد در این رابطه با مشکلات متعددی دست و پنجه نرم می‌کنند. آنها در طول تاریخ همواره در حاشیه‌ی اجتماع قرار داشته‌اند.

تشکیل بسیاری از انجمن‌ها و گروه‌های معلولان، با قصد پیدا کردن راه حلی برای اصلاح این نگرش دیرپاست. اما به نظر می‌رسد اگر ذهنیت کودکان از آغاز با معلول آشنا شود، و احترام به حقوق اقلیت و نگاهی انسانی (و نه صرفاً ترحم‌آمیز) به صورتی غیر مستقیم در آنان شکل گیرد، در آینده بنیان‌های فرهنگی مستحکم‌تر و نگرش مسوولانه‌تری را شاهد خواهیم بود. به این منظور می‌بایست در قالبی آسان، بچه‌ها با پدیده معلولیت آشنا شوند و از فرد معلول چهره‌ای عادی ترسیم شود که مثل همه زندگی می‌کند، درس می‌خواند، به سر کار می‌رود، اما به دلیل محدودیت جسمی از وسایل خاصی استفاده می‌کند و با مسایل ویژه‌ای روبه‌روست. و چنین هدفی میسر نمی‌شود مگر از طریق ارتباط با مدارس.

پیشترها جرقه طرحی گسترده (که شامل ارتباط با مدارس استثنایی هم می‌شود) در **انجمن باور** زده شد و تماس‌هایی را با یکی دو مدرسه برقرار کردیم. برای اینکه چنین ایده‌ای محقق شود از تابستان پارسال مطالعات و مصاحبه‌های اولیه برای دستیابی به اطلاعات لازم آغاز گشت. به اولین چیزی که برخوردیم این بود که چنین کاری تاکنون در ایران صورت نگرفته. این، هم غرورآمیز بود و هم نگران‌کننده، که مبدا کاری ناپخته و پر اشتباه انجام دهیم و نه تنها تأثیرگذاری مناسبی نداشته باشد، بلکه به روحیه‌ی کودکان هم لطمه بزند. نگرانی‌مان آن جا بیشتر شد که به مدل بین‌المللی شناخته شده‌ای

که مستقیماً برای ترویج رفتار اجتماعی با معلول و آشنایی با معلولیت تهیه شده باشد، بر نخوردیم. حدس می‌زنیم - بخصوص در کشورهای پیشرفته - چنین نیاز اجتماعی و فرهنگی حس نشده تا برنامه‌های برایش تدوین کرده باشند. در برخی از آن کشورها حضور معلولان آنقدر عادی و تسهیل شده است که لزومی به ترویج و تبلیغ نیست.

ما بیکار ننشستیم و با کارشناسان مختلفی تماس گرفتیم تا بیشتر راهنمایی‌مان کنند.

شهناز جمشیدی (کارشناس کار با کودک)، مریم عاطفی (روانشناس)، خانم فهیمی (کاردرمانگر) و دکتر محمد کمالی (توانبخش) از جمله افرادی بودند که به دفعات در جریان طرح قرار گرفتند و پیشنهادهایی برای چگونگی‌اش دادند.

با مطالعه دستورالعمل یونیسف برای اداره‌ی جلسات به روش Focus Group، برای اجرا در مدارس عادی به دستورالعملی اجرایی رسیدیم. قبل و بعد از هر بار اجرا، دور هم جمع می‌شویم، همفکری می‌کنیم، برنامه‌هایمان را نقد می‌کنیم و به پیشنهادهای جدیدتر فکر می‌کنیم.

در مدارس، ابتدا سعی می‌کنیم تا فضای ذهنی بچه‌ها را با پدیده‌ی معلولیت آشنا کنیم. سپس وارد نحوه‌ی ارتباط اجتماعی با فرد معلول می‌شویم و با تصویرسازی ذهنی یا نقش‌آفرینی نمایشی سعی می‌کنیم تا خود کودک مسوولیت‌پذیری و ارابه راهکار را بیابد؛ با حقوق انسانی فرد آشنا شود و اگر نیاز بود آماده‌ی کمک (فیزیکی، اجتماعی) به یک دوست باشد.

ما هنوز در گام‌های ابتدایی این راه هستیم. شکل گرفتن نتایج فعالیت‌های فرهنگی نیاز به سال‌ها زمان دارد و کار با کودکان، طولانی‌ترین زمان و در عین حال بهترین نتیجه را به دنبال دارد. اما باور داریم که این هدف دست‌یافتنی است.

